

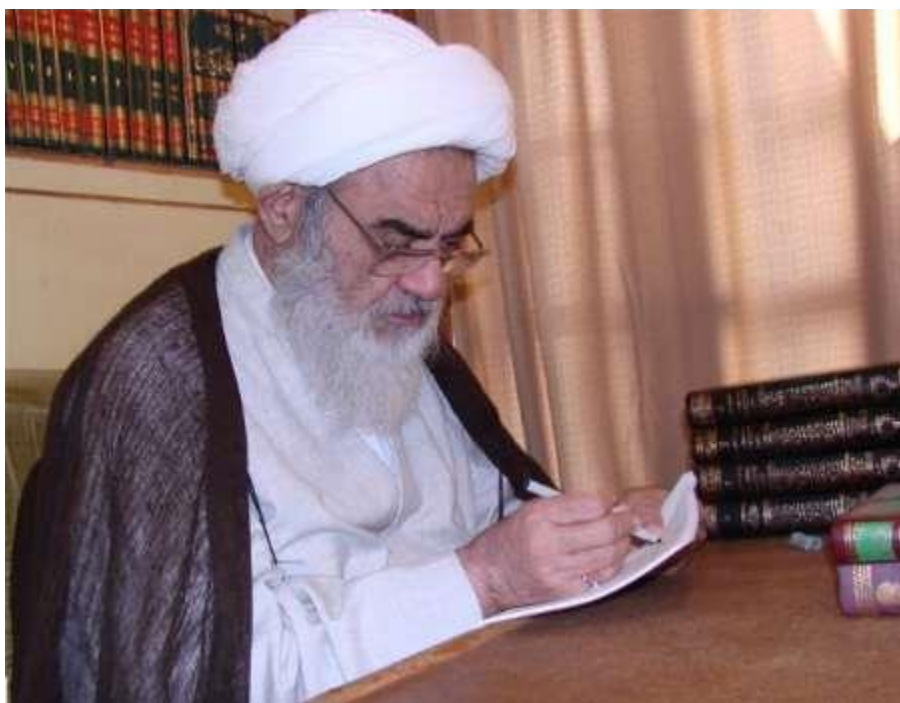
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

جلسه سوم - خیرخواهی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ
السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ
بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ
سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ
لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

خدا توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت، مخصوصاً روزه گرفتن در این ماه مبارک را به همه عنایت کند. اظهار ارادت کنید خدمت امام زمان با سه صلوات.

بحث دیروز درباره حسادت بود. این صفت رذیله‌ای که خیلی خطرناک است. اگر گل کند، اگر طوفانی شود، انسان حتی حاضر است خودش را بکشد برای اینکه ضرر به دیگران نزنند و گفتم معنای حسد یعنی اینکه انسان برای دیگران خوبی و خیر نخواهد. آدم بی‌خیری باشد و دلش بخواد مردم در فلاکت باشند. دلش بخواد مردم در مضیقه باشند و اگر ببیند کسی در رفاه است، ناراحت شود. معلوم است که این مخالف با فطرت انسان است، معلوم است که این مخالف با عقل انسان است، معلوم است که این مخالف با نفس لواحه انسان است. این سه پیامبر در درون انسان، به نام فطرت و عقل و نفس لواحه، می‌گویند برای مردم خوش بخواد تا مردم برای تو خوش بخواد. این سه پیامبر می‌گویند مواظب باش اینکه برای مردم خیر نخواهی، مخالف ماست یعنی عقل و وجدان اخلاقی و فطرت نمی‌پسندد بلکه شیطان درون می‌پسندد که می‌خواهد تو را نابود کند و شیطان برون که به واسطه حسد رانده درگاه خدا شد. ما باید تا می‌شود از فطرت و عقل و وجدان اخلاقی پیروی کنیم. پا روی هوی و هوس‌ها و

نفس اماره و این شیطان برون و مخصوصاً شیطان درون بگذاریم. شیطان درون از شیطان برون بدتر و شیطان برون از شیطان درون بدتر است.

دیروز مقداری دربارهٔ حسادت صحبت کردم و اگر کسی حسود باشد، خیر دنیا و آخرت ندارد. دل ناپاک است و خدا به دل ناپاک نظر رحمت ندارد و دیروز سفارش کردم مخصوصاً در ماه مبارک رمضان تا می‌شود خودسازی کنید و با این صفت حسادت را که همه کم و بیش دارند، باید مبارزه کرد.

در مقابلش یک فضیلت به نام عاطفه و تلافی و مهربانی هست و از نظر فارسی اینست که بخواهیم که همه خوش باشند و بدی را برای دیگران نپسندیم. دوست داشته باشیم که همه در رفاه باشند. دوست داشته باشیم که همه در سعادت باشند حتی دشمن.

ای مسلمان باید سرمشق زندگی تو پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» باشد. بین پیغمبر اکرم همه چیزش را فدای مردم کرد. تو هم باید به اندازهٔ ممکن چنین باشی. وقتی در تاریخ رویم، می‌بینیم که همهٔ چهارده معصوم به خاطر سعادت مردم خودشان را در صدمه و مشقت و معرض گذاشته‌اند. چرا امام حسین به کربلا آمد و همه چیز را فدای مردم کرد، برای اینکه مردم در سعادت واقع شوند. هرچه توانست در روز عاشورا کرد برای اینکه مردم در سعادت واقع شوند. حتی دلش برای دشمن می‌تپید و گاهی برای دشمن گریه می‌کرد. ما نمی‌خواهیم مثل او باشیم، اما باید شباهت به پیغمبر و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و سائر ائمه «سلام‌الله‌علیهم» داشته باشیم. آنها همه چیزشان را فدای مردم کردند تا مردم در سعادت واقع شوند، ما هم برای مردم خوش بخواهیم.

روایات فراوانی که شاید بیش از پانصد روایت هست که علامت مؤمن چیست و به چه کسی می‌توان مؤمن گفت. همهٔ چهارده معصوم فرموده‌اند مؤمن اینست که «يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ»؛ آنچه برای خود می‌خواهد برای دیگران همان را بخواهد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد. [۱] یعنی حسود نباشد که برای مردم بد بخواهد، بلکه رئوف و مهربان باشد و برای مردم خوب بخواهد. در وقتی که می‌بیند کسی به نوایی رسیده، خوشحال شود و شکر کند. کمک کند که دیگران به نوایی برسند. اهمیت دهد که گره‌ای از کار مسلمان‌ها باز کند و بالاخره از نظر دعا و راز و نیاز با خدا به دیگران دعا کنند.

در اواخر دوران حضور پیامبر در مکه، مشرکان توطئه کردند که پیامبر اکرم را از طریق اراذل و اوباش سنگباران کنند. لذا پیغمبر اکرم وقتی از خانه بیرون می‌آمدند، بچه‌ها ایشان را سنگباران می‌کردند. اگر می‌توانست از دست اینها فرار کند به مسجد می‌رفت و اگر می‌توانست به خانه می‌آمد و خانه را سنگباران می‌کردند و اگر نمی‌توانست به بیابان‌ها فرار می‌کرد. حضرت خدیجه و امیرالمؤمنین علی «سلام‌الله‌علیه» زاد و توشه و آب و خوراکی برای پیغمبر اکرم می‌بردند و در بیابان‌ها دنبال پیغمبر می‌گشتند. پیغمبر را پیدا می‌کردند، زیر سایهٔ سنگی یا زیر درخت خار مغیلانی در حالی که خون از پای مبارک می‌چکید اما در همان حال تشنگی و گرسنگی زمزمه‌ای به این مضمون داشت که: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»، [۲] خدایا اینها بدند اما نمی‌فهمند. خدایا! اینها به من سنگ می‌زنند برای اینکه من برای آنها رافت و مهربانی می‌خواهم، خدایا عذابشان نکن، بلکه اگر می‌خواهی دلم خوش شود، اینها را هدایت کن. به این اندازه ممکن نیست یا نمی‌شود که ما اینطور باشیم. اما ما برای دیگران خوش بخواهیم. در روایات فراوانی که گفتم علامات مؤمن را می‌فرمایند. مؤمن‌شناس و مسلمان‌شناس یعنی پیغمبر و ائمه طاهرين می‌فرمایند مسلمان اینست که هرچه برای خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد. اگر می‌خواهد بچه‌هایش سعادتمند باشند و باسواد شوند و در جامعه جا باز کنند، برای

دیگران هم بخواهد. همینطور که برای پسر و دخترش کمک می‌کند تا به نوایی برسند، همچنین برای پسر و دخترهای دیگران هم کمک کند تا آنها هم به نوایی برسند. همینطور که دوست ندارد پسرش موجب سرافندگی او شود، اگر بشنود و یا ببیند پسری از همسایه یا بیگانه نااهل درآمده، شب خوابش نبرد، امام صادق «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید اگر کسی گرفتار باشد و مسلمان بداند و خوابش ببرد، مسلمان نیست. [۳] مسلمان آنست که از رنج دیگران بی‌خواب شود. مسلمان آنست که وقتی ناراحتی دیگران را دید، عرق به پیشانی‌اش جاری شود و بالاخره مسلمان آنست که هرچه برای خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد و هرچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد.

وقتی حضرت آدم روی کره زمین آمد، خدا با او حرف زد و گفت باید چهار چیز باشد. یکی از طرف من اینکه باید مواظب باشی شرک در زندگیت نباشد. توحید ذاتی و توحید صفاتی و توحید افعالی و توحید عبادی. شرک ظلم بزرگی است، لذا باید کسی مشرک نشود. ای آدم! آنچه مربوط به توسست، باید خوبی کنی هم به خودت و هم به دیگران. تو باید خیرخواه باشی تا من خیرخواه تو باشم. سوم اینکه آنچه بین من و توسست، اینست که تو دعا کنی و من استجابت کنم. چهارم که مهم است و شاید خدا به حضرت آدم آن سه را از باب مقدمه گفته است، اینست که فرموده: «فَتَرَضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ تَكَرَّهُ لَهُمْ مَا تَكَرَّهُ لِنَفْسِكَ»؛ [۴] هرچه برای خودت راضی هستی برای دیگران هم باید راضی باشی. هرچه برای خود ناراضی هستی، باید همان را برای دیگران ناراضی باشی. برای غریبه‌ها چه رسد به خودی‌ها. ما باید برای همه دل پاک و دل منهای حسد داشته باشیم و این کفایت نمی‌کند باید دلی توأم با رأفت و مهربانی داشته باشیم تا رحمت خدا در این دل نازل شود. تا برسیم به آنجا که اصلاً بدی برای دیگران و حتی دشمن نخواهیم. مثل پیغمبر اکرم که او را سنگ می‌زنند اما پیغمبر ناراحت است برای اینکه چرا اینها در شقاوتند. یا بچه امام حسین درحالی که بچه شیرخوارش را تیر می‌زنند اما ناراحت است و گریه می‌کند که چرا مردم حرفش را نشنیدند تا هدایت شوند و این وظیفه سنگینی برای همه ماست.

قرآن در این باره خیلی صحبت دارد؛ می‌فرماید:

وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا-ه

ای انسان آگاه باش، تلاش و کوشش کن هم برای آخرت و هم برای دنیایت. اما تلاش و کوشش تو فقط خودگرایی و برای خودت نباشد بلکه باید به فکر دیگران هم باشی. به هر اندازه که به فکر خودت هستی، به فکر دیگران هم باش. حتی قرآن در این باره می‌فرماید مواظب باش که مفسد فی الارض نباشی، که پروردگار عالم مفسد را دوست ندارد. مفسد فی الارض در این باره آدم حسود است. آدمی که خیر برای دیگران نخواهد، آدمی که برای دیگران شر ایجاد کند و گره در کار دیگران بیندازد. آدمی که وقتی ببیند کسی در رفاه است، ناراحت شود. این از نظر قرآن، مفسد فی الارض است.

از نظر تجسم عمل هم قرآن همین را می‌فرماید. اگر می‌خواهی در روز قیامت اعمال خوبی موجب سرافرازی برای تو باشد، باید خیرخواه باشی:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (٦)

خدا رأفت دارد، لذا زنگ خطر می‌زند. زنگ خطر اینست که در روز قیامت اگر خوبی کرده باشی، به تو خوبی می‌شود. اگر بهشت است، همان خوبی‌های توست. اگر استراحت زیر لوای حمد است، همان خوبی‌های توست و بالاخره اگر سرافرازی در روز قیامت است، خیرخواهی‌های توست و اما اگر برای دیگران شر باشی و برای دیگران خیر نخواهی و آدمی باشی که به جای اینکه گره باز کنی، گره در کار دیگران بیندازی و به جای اینکه از خوشی دیگران خوشحال باشی، از خوشی دیگران ناراحت باشی، این هم مجسم می‌شود. به اندازه‌ای سرافکندگی برای توست که می‌گویی جهنم به یک طرف و ای کاش این رسوایی در آخرت برای من نبود. ای کاش بین من و اعمال من فاصله از مشرق تا مغرب بود و من این تجسم عمل را نمی‌دیدم. خدا با آن رأفتش به ما زنگ خطر می‌زند که ما باید خیرخواه دیگران باشیم. مشکل است اما لازم است. همینطور که حسادت هست و باید رفع کرد و مشکل است، غرس کردن این درخت فضیلت و رأفت و مهربانی برای دیگران هم مشکل است اما باید این درخت فضیلت را غرس کنیم و کم‌کم بارور کنیم و از میوه آن هم در دنیا و هم در آخرت استفاده کنیم. به تجربه اثبات شده که افراد خیرخواه عاقبت به‌خیر می‌شوند.

عاقبت به‌خیری به چند معنا: یکی تأمین آتیه برای اولادشان. این افراد پاک دل و افرادی که می‌خواهند برای دیگران خوش مقدر شود، خوشی دیگران را خوشی خودش حساب کند، این تأمین آتیه برای اولادش و تأمین آتیه برای خودش است و در آخر کار ذلت بعد عزت ندارد، در آخر کار فقری ندارد که دست و پا پیچ او شود. خدا او را حفظ می‌کند و دست عنایت خدا روی دل آدم خیرخواه است و حال انحرافی برایش پیدا نمی‌شود.

زن و مرد! اگر می‌خواهید پسر و دختر شما منحرف نشوند، مخصوصاً در این زمان ما که انحرافات برای جوان‌ها زیاد است، اگر می‌خواهید خدا آنها را حفظ کند، تا می‌توانید به خلق خدا کمک کنید و تا می‌توانید خیرخواه برای مردم باشید و تا می‌توانید دل پاکی پیدا کنید که آن دل پاک رأفت و مهربانی و رحمت برای دیگران بخواهد. و اگر خدای ناکرده دل ناپاک شد، عاقبت به‌خیر نمی‌شوید. اگر دل ناپاک شد و اگر حسود شد و دل شری پیدا کردید، انحراف برای تو و اولاد تو جلو می‌آید و عاقبت به‌خیر نمی‌شوی. مهمتر از اینها اگر می‌خواهی در مقابل امیرالمؤمنین در دم مرگ سرافراز باشی و روسفید باشی، باید شباهت به امیرالمؤمنین داشته باشی و شباهت به امیرالمؤمنین همین است که ما خیرخواه باشیم. مثل امیرالمؤمنین شصت و سه سال زندگی پربرکت برای دیگران. به فکر خودش و اولادش نبود، اما شبانه‌روز تلاش و کوشش برای هدایت مردم داشت تا بتواند مردم را در رفاه قرار دهد.

یکی از علمای بزرگ قصه‌ای برای من می‌گفت که جدا چنین است و شاید همه بتوانید اینگونه قصه‌ها را در زندگیتان داشته باشید. می‌گفت پیرمردی بود که بیسواد بود اما تقید به ظواهر شرعش خیلی عالی بود. به این معنا که اهمیت به نماز جماعت و اهمیت به خدمت به خلق خدا و اهمیت به اجتناب از گناه داشت، اما صفت خوبی که داشت این بود که درحالی که فقیر بود اما مقید بود که خدمت به خلق خدا کند. همیشه دلش برای دیگران می‌تپید. این مرد بزرگ می‌گفت دم مرگش پدر مرا که یکی از علما بود خواست و گفت من امشب می‌میرم و دلم می‌خواهم تو بالای سرم باشی. پدرم آمد بالای سرش و این پیرمرد به او گفت من الان نمی‌میرم، برو بخواب و من بعد از اذان صبح می‌میرم. پدرم خوابید و بلند شد نماز شب خواند و این پیرمرد هم در بستر نماز شبش را خواند و نماز صبح را خوابیده خواند. پدرم می‌گوید صبح ناگهان دیدم که بنا کرد سلام دهد به چهارده معصوم. السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا امیرالمؤمنین، السلام علیک یا سیده نساء العالمین تا اینکه آمد به اسم امام زمان و تا خواست بلند شود، نشد و دستش را روی سرش گذاشت و گفت السلام علیک یا رجائی یا بقیه الله و آنگاه خوابید و مرد. به این می‌گویند عاقبت به‌خیر. این مرد بزرگ می‌گفت این پیرمرد این رستگاری را پیدا کرد برای اینکه

خیرخواه مردم بود. در حالی که خودش در مضیقه بود اما دلش می‌خواست همه مردم خوش باشند و تا می‌توانست به خلق خدا کمک می‌کرد. اهل بیت و بزرگان و کسانی که به فکر هستند، حتی به فکر حیوانات هم هستند و اینکه حیوانی اذیت نشود.

میازار موری که دانه کنش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

حتی برای حیوانات هم خوش بخواهید چه رسد به انسان‌ها. حتی برای فاسق و فاجرها دعا کنید که خدایا اینها را هدایت کن.

یادم نمی‌رود مرحوم آقای انصاری قمی منبری بود به مسجد سید اصفهان آمده بود و منبر می‌رفت و گاهی می‌گفت ای مردم دعا کنید به این دخترهای ولگرد در خیابان‌ها. اینها دعا می‌خواهند. اینها دختران ما هستند. یعنی به فاسق‌ها و فاجرها باید در موقع افطار دعا کنیم. موقعی که این فساد اخلاقی یادمان می‌آید، باید ناراحت شویم، نه تنها برای خودمان و برای اسلام بلکه برای فاسق‌ها و فاجرها.

خلاصه درس دیروز و امروز این شد که حسادت خیلی بد است. آدم را عاقبت به‌خیر نمی‌کند بلکه جهنمی می‌کند. لو شیعه است اما باید به جهنم رود چندین هزار سال تا اینکه از این حسادت پاک شود. برای اینکه در بهشت نمی‌شود صفت رذیله باشد. بحث امروز این شد که تا می‌توانید خدمت به خلق خدا کنید. آیه می‌فرماید این خدمت به دیگران و اینکه برای همه و حتی برای دشمن و فاسق و فاجر خوش بخواهید، موجب می‌شود دم مرگ سرافراز خدمت امیرالمؤمنین باشید و آقا شما را پیش خودشان ببرد در زیر لوای حمد و به دست امیرالمؤمنین آب کوثر بخورید و پاک و پاکیزه به بهشت بروید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱- مضمون این عبارت در روایات متعددی از حضرات معصومین آمده است؛ ر.ک: المحاسن، ص ۱۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۹؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۰۶؛ امالی الطوسی، ص ۴۷۸؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۱ و...

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مواضع مختلفی، این عبارت یا مشابه آن را به کار می‌بردند که: «خدایا قوم مرا هدایت کن، زیرا آنها نمی‌دانند چه کار بدی می‌کنند»؛ از جمله پس از آزارها و شکنجه‌های مشرکان در مکه (بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱)، در جنگ احد (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۹۲) در فتح مکه (الخراج و الجرائع، ج ۱، ص ۱۶۴) و...

۳- الکافی، ج ۲، ص ۶۶۸؛ ثواب الاعمال، ص ۲۵۰؛

۴- الکافی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۵- القصص، ۷۷: «و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.

۶- آل عمران، ۳۰: «روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد؛ و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود. و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [در عین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است».

منبع: سایت معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir>